

◆ زندگینامه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

فاطمه (علیها السلام) در نزد مسلمانان برترین و والامقام ترین بانوی جهان در تمام قرون و اعصار می باشد. این عقیده بر گرفته از مضامین احادیث نبوی است. این طایفه از احادیث ، اگر چه از لحاظ لفظی دارای تفاوت هستند ، اما دارای مضمونی واحد می باشند. در یکی از این گفتار ها (که البته مورد اتفاق مسلمانان ، اعم از شیعه و سنی است) ، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند: " فاطمه سرور زنان جهانیان است ". اگر چه بنابر نص آیه شریفه قرآن ، حضرت مریم برگزیده زنان جهانیان معرفی گردیده و در نزد مسلمانان دارای مقامی بلند و عفت و پاکدامنی مثال زدنی می باشد و از زنان برتر جهان معرفی گشته است ، اما او برگزیده ی زنان عصر خویش بوده است. ولی علو مقام حضرت زهرا (علیها السلام) تنها محدود به عصر حیات آن بزرگوار نمی باشد و در تمامی اعصار جریان دارد . لذا است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در کلامی دیگر صراحتاً فاطمه (علیها السلام) را سرور زنان اولین و آخرین نکر می نمایند. اما نکته ای دیگر نیز در این دو حدیث

نبوی و احادیث مشابه دریافت می شود و آن اینست که اگر فاطمه (علیها السلام) برترین بانوی جهانیان است و در بین زنان از هر جهت ، کسی دارای مقامی والاتر از او نیست ، پس شناخت سراسر زندگانی و تمامی لحظات حیات او ، از ارزش فوق العاده برخوردار می باشد. چرا که آدمی با دقت و تأمل در آن می تواند به عالی ترین رتبه های روحانی نائل گردد. از سوی دیگر با مراجعه به قرآن کریم درمی یابیم که آیات متعددی در بیان شأن و مقام حضرتش نازل گردیده است که از آن جمله می توان به آیه ی تطهیر، آیه مباحله ، آیات آغازین سوره دهر، سوره کوثر ، آیه اعطای حق ذی القربی و ... اشاره نمود که خود تأکیدی بر مقام عمیق آن حضرت در نزد خداوند است. این آیات بال تکیه بر توفیق الهی ، در مقالات دیگر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ما در این قسمت به طور مختصر و با رعایت اختصار ، به مطالعه شخصیت و زندگانی آن بزرگوار خواهیم پرداخت.

نام، القاب، کنیه ها:

نام مبارک آن حضرت ، فاطمه (علیها السلام) است و از برای ایشان القاب و صفات متعددی همچون زهرا، صدیقه، طاهره، مبارکه، بتول، راضیه، مرضیه ، نیز ذکر شده است .

فاطمه ، در لغت به معنی بریده شده و جدا شده می باشد و علت این نامگذاری بر طبق احادیث نبوی ، آنست که: پیروان فاطمه (علیها السلام) به سبب او از آتش دوزخ بریده ، جدا شده و برکنارند.

زهرا به معنای درخشنده است و از امام ششم ، امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که: " چون دخت پیامبر در محرابش می ایستاد (مشغول عبادت می شد) ، نورش برای اهل آسمان می درخشید؛ همانطور که نور ستارگان برای اهل زمین می درخشد " .

صدیقه به معنی کسی است که به جز راستی چیزی از او صادر نمی شود. طاهره به معنای پاک و پاکیزه ، مبارکه به معنای باخیر و برکت ، بتول به معنای بریده و دور

از نا پاکی ، راضیه به معنای راضی به قضا و قدر الهی و مرضیه یعنی مورد رضایت

الهی (1) .

کنیه های فاطمه (علیها السلام) نیز عبارتند از ام الحسین، ام الحسن، ام الائمه، ام

ابیها و ...

ام ابیها به معنای مادر پدر می باشد و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)

دخترش را با این وصف می ستود؛ این امر حکایت از آن دارد که فاطمه (علیها

السلام) بسان مادری برای رسول خدا بوده است. تاریخ نیز گواه خوبی بر این

معناست ؛ چه هنگامی که فاطمه در خانه پدر حضور داشت و پس از وفات خدیجه

(سلام الله علیها) غمخوار پدر و مایه پشت گرمی و آرامش رسول خدا بود و در این

راه از هیچ اقدامی مضایقه نمی نمود ، چه در جنگها که فاطمه بر جراحات پدر مرهم

می گذاشت و چه در تمامی مواقع دیگر حیات رسول خدا.

مادر و پدر:

همانگونه که می دانیم ، نام پدر فاطمه (علیها السلام) محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله وسلم) است که او رسول گرامی اسلام ، خاتم پیامبران الهی و برترین مخلوق خداوند می باشد. مادر حضرتش خدیجه دختر خویلد ، از زنان بزرگ و شریف قریش بوده است . او نخستین بانویی است که به اسلام گرویده است و پس از پذیرش اسلام ، تمامی ثروت و دارائی خود را در خدمت به اسلام و مسلمانان مصرف نمود . خدیجه در دوران جاهلیت و دوران پیش از ظهور اسلام نیز به پاکدامنی مشهور بود ؛ تا جائی که از او به طاهره (پاکیزه) یاد می شد و او را بزرگ زنان قریش می نامیدند .

ولادت:

فاطمه (علیها السلام) در سال پنجم پس از بعثت (۲) و در روز ۲۰ جمادی الثانی در مکه به دنیا آمد. چون به دنیا پانهاد، به قدرت الهی لب به سخن گشود و گفت " :

شهادت می دهم که جز خدا ، الهی نیست و پدرم رسول خدا و آقای پیامبران است و شوهرم سرور اوصیاء و فرزندانم (دو فرزندم) سرور نوادگان می باشند " . اکثر مفسران شیعی و عده ای از مفسران بزرگ اهل تسنن نظیر فخر رازی ، آیه آغازین سوره کوثر را به فاطمه (علیها السلام) تطبیق نموده اند و او را خیر کثیر و باعث بقا و گسترش نسل و ذریه پیامبر اکرم ذکر نموده اند. شایان ذکر است که آیه انتهایی این سوره نیز قرینه خوبی براین مدعاست که در آن خداوند به پیامبر خطاب می کند و می فرماید همانا دشمن تو ابتر و بدون نسل است.

مکارم اخلاق:

سراسر زندگانی صدیقه طاهره (علیها السلام) ، مملو از مکارم اخلاق و رفتارهای نمونه و انسانی است. ما در این مجال جهت رعایت اختصار تنها به ه مورد اشاره می

نمائیم . اما دوباره تأکید می کنیم که این موارد، تنها بخش کوچکی از مکارم اخلاقی آن حضرت است.

1- از جابرین عبدالله انصاری ، صحابی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) منقول است که: مردی از اعراب مهاجر که فردی فقیر مستمند بود ، پس از نماز عصر از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) طلب کمک و مساعدت نمود. حضرت فرمود که من چیزی ندارم . سپس او را به خانه فاطمه (سلام الله علیها) که در کنار مسجد و در نزدیکی خانه رسول خدا قرار داشت ، راهنمایی نمودند . آن شخص به همراه بلال (صحابی و مؤذن رسول خدا) به در خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) آمد و بر اهل بیت رسول خدا سلام گفت و سپس عرض حال نمود. حضرت فاطمه (علیها السلام) با وجود اینکه سه روز بود خود و پدر و همسرش در نهایت گرسنگی به سر می بردند، چون از حال فقیر آگاه شد، گردن بندی را که فرزند حمزه دختر عموی حضرت به ایشان هدیه داده بود ، و در نزد آن بزرگوار یادگاری ارزشمند محسوب می شد ، از گردن باز نمود و به اعرابی فرمود :این را بگیر و بفروش ؛ امید است که خداوند بهتر از آن را نصیب تو نماید. اعرابی گردن بند را گرفت و به نزد پیامبر اکرم (صلی الله

علیه و آله وسلم) بازگشت و شرح حال را گفت . رسول خدا (صلی الله علیه و آله
وسلم) از شنیدن ماجرا ، متأثر گشت و اشک از چشمان مبارکش فرو ریخت و به
حال اعرابی دعا فرمود. عمار یاسر (از اصحاب پیامبر) برخاست و اجازه گرفت و در
برابر اعطای غذا ، لباس ، مرکب و هزینه سفر به اعرابی ، آن گردن بند را از او
خریداری نمود . پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) از اعرابی پرسید : آیا
راضی شدی؟ او در مقابل ، اظهار شرمندگی و تشکر نمود. عمار گردن بند را در
پارچه ای یمانی پیچیده و آنرا معطر نمود و به همراه غلامش به پیامبر هدیه داد.
غلام به نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آمد و جریان را باز گفت. حضرت
رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) غلام و گردن بند را به فاطمه (علیها السلام)
بخشید. غلام به خانه ی صدیقه اطهر آمد. زهرا (علیها السلام) ، گردن بند را گرفت و
غلام را در راه خدا آزاد نمود .

گویند غلام در این هنگام تبسم نمود. هنگامی که علت را جویا شدند ، گفت: چه گردن
بند با برکتی بود ، گرسنه ای را سیر کرد و برهنه ای را پوشانید، پیاده ای را

صاحب مرکب و فقیری را بی نیاز کرد و غلامی را آزاد نمود و سرانجام به نزد صاحب خویش بازگشت.

2- رسول خدا (صلی الله علیه و اله وسلم) در شب زفاف پیراهن نویی را برای دختر خویش تهیه نمود. فاطمه (علیها السلام) پیراهن وصله داری نیز داشت. سائلی بر در خانه حاضر شد و گفت: من از خاندان نبوت پیراهن کهنه می خواهم. حضرت زهرا(علیها السلام) (خواست پیراهن وصله دار را مطابق خواست سائل به او بدهد که به یاد آیه شریفه " هرگز به نیکی دست نمی یابید مگر آنکه از آنچه دوست دارید انفاق نمائید " ، افتاد . در این هنگام فاطمه (علیها السلام) پیراهن نو را در راه خدا انفاق نمود.

3- امام حسن مجتبی در ضمن بیانی ،عبادت فاطمه (علیها سلام) ، توجه او به مردم و مقدم داشتن آنان بر خویشان ، در عالی ترین ساعات راز و نیاز با پروردگار را این گونه توصیف می نمایند : " مادرم فاطمه را دیدم که در شب جمعه ای در محراب عبادت خویش ایستاده بود و تا صبحگاهان ، پیوسته به رکوع و سجود می پرداخت .

و شنیدیم که بر مردان و زنان مؤمن دعا می کرد ، آنان را نام می برد و بسیار
برایشان دعا می نمود اما برای خویشان هیچ دعائی نکرد . پس به او گفتم : ای مادر ،
چرا برای خویش همانگونه که برای غیر ، دعا می نمودی ، دعا نکردی ؟ فاطمه (علیها
سلام) گفت : پسرم ! اول همسایه و سپس خانه ."

ازدواج و فرزندان آن حضرت:

صدیقه کبری خواستگاران فراوانی داشت. نقل است که عده ای از نامداران صحابه
از او خواستگاری کردند . رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به آنها فرمود که
اختیار فاطمه در دست خداست. بنا بر آنچه که انس بن مالک نقل نموده است ، عده
ای دیگر از میان نامداران مهاجرین ، برای خواستگاری فاطمه (علیها السلام) به نزد
پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) رفتند و گفتند حاضریم برای این وصلت ، مهر
سنگینی را تقبل نمائیم . رسول خدا همچنان مسأله را به نظر خداوند موکول می نمود

تا سرانجام جبرئیل بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نازل شد و گفت: " ای محمد
! خدا بر تو سلام می رساند و می فرماید فاطمه را به عقد علی در آور ، خداوند علی
برای فاطمه و فاطمه را برای علی پسندیده است ". امام علی (علیه السلام) نیز از
خواستگاران فاطمه (علیها السلام) بود و حضرت رسول بنا بر آنچه که ذکر گردید ،
به امر الهی با این وصلت موافقت نمود. در روایات متعددی نقل گشته است که پیامبر
اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: اگر علی نبود ، فاطمه همتایی نداشت . بدین
ترتیب بود که مقدمات زفاف فراهم شد . حضرت فاطمه (علیها السلام) با مهری اندک
(بر خلاف رسوم جاهلی که مهر بزرگان بسیار بود) به خانه امام علی (علیه السلام)
قدم گذارد . (۳) ثمره این ازدواج مبارک ، ۵ فرزند به نامهای حسن ، حسین ، زینب ،
ام کلثوم و محسن (که در جریان وقایع پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) سقط
شد) ، بود . امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) از امامان ۱۲ گانه می باشند که
در دامان چنین مادری تربیت یافته اند و ۹ امام دیگر (بغیر از امام علی (علیه السلام)
و امام حسن (علیه السلام)) از زریه امام حسین (علیه السلام) می باشند و بدین ترتیب
و از طریق فاطمه (علیها السلام) به رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) منتسب می

گردند و از ذریه ایشان به شمار می روند. (۴) و به خاطر منسوب بودن ائمه طاهرین

(بغیر از امیر مؤمنان(علیه السلام)) به آن حضرت ، فاطمه (علیها السلام) را " ام

الائمہ " (مادر امامان) گویند.

زینب (سلام الله علیها) که بزرگترین دختر فاطمه (علیها السلام) به شمار می آید ،

بانویی عابد و پاکدامن و عالم بود. او پس از واقعه عاشورا ، و در امتداد حرکت امام

حسین (علیه السلام) ، آن چنان قیام حسینی را نیکو تبیین نمود ، که پایه های

حکومت فاسق اموی به لرزه افتاد و صدای اعتراض مردم نسبت به ظلم و جور یزید

بارها و بارها بلند شد. تا جایی که حرکت های گسترده ای بر ضد ظلم و ستم او

سازمان گرفت . آنچه از جای جای تاریخ درباره عبادت زینب کبری (علیها السلام)

بدست می آید ، آنست که حتی در سخت ترین شرایط و طاقت فرسا ترین لحظات نیز

راز و نیاز خویش با پروردگار خود را ترک ننمود و این عبادت و راز و نیاز او نیز

ریشه در شناخت و معرفت او نسبت به ذات مقدس ربوبی داشت .

ام کلثوم نیز که در دامان چنین مادری پرورش یافته بود ، بانویی جلیل القدر و خردمند و سخنور بود که او نیز پس از عاشورا به همراه زینب (سلام الله علیها) حضور داشت و نقشی عمده در آگاهی دادن به مردم ایفا نمود.

فاطمه (علیها السلام) در خانه :

فاطمه (علیها السلام) با آن همه فضیلت ، همسری نیکو برای امیر مؤمنان بود. تا جایی که روایت شده هنگامی که علی (علیه السلام) به فاطمه (علیها السلام) می نگریست ، غم و اندوهش زدوده می شد. فاطمه (علیها السلام) هیچگاه حتی اموری را که می پنداشت امام علی (علیه السلام) قادر به تدارک آنها نیست ، از او طلب نمی نمود. اگر بخواهیم هر چه بهتر رابطه زناشویی آن دو نور آسمان فضیلت را بررسی نمائیم ، نیکوست از امام علی (علیه السلام) بشنویم ؛ چه آن هنگام که در ذیل خطبه ای به فاطمه (علیها السلام) (با عنوان بهترین بانوی جهانیان مباحثات می نماید و او را

از افتخارات خویش بر می شمرد و یا آن هنگام که می فرماید: " بخدا سوگند که او را به خشم در نیاورم و تا هنگامی که زنده بود ، او را وادار به کاری که خوشش نیاید ننمودم ؛ او نیز مرا به خشم نیاورد و نا فرمانی هم ننمود."

مقام حضرت زهرا (علیها السلام) و جایگاه علمی ایشان:

فاطمه زهرا (علیها السلام) در نزد شیعیان اگر چه امام نیست ، اما مقام و منزلت او در نزد خداوند و در بین مسلمانان به خصوص شیعیان ، نه تنها کمتر از سایر ائمه نیست ، بلکه آن حضرت همتای امیر المؤمنین و دارای منزلتی عظیم تر از سایر ائمه طاهرین (علیهم السلام) می باشد .

اگر بخواهیم مقام علمی فاطمه (علیها السلام) را درک کنیم و به گوشه ای از آن پی ببریم ، شایسته است به گفتار او در خطبه فدکیه بنگریم ؛ چه آنجا که استوار ترین جملات را در توحید ذات اقدس ربوبی بر زبان جاری می کند ، یا آن هنگام که

معرفت و بینش خود را نسبت به رسول اکرم آشکار می سازد و یا در مجالی که در آن خطبه ، امامت را شرح مختصری می دهد. جای جای این خطبه و احتجاجات این بانوی بزرگوار به قرآن کریم و بیان علت تشریح احکام ، خود سندی محکم بر اقیانوس بی کران علم اوست که متصل به مجرای وحی است. (قسمتی از این خطبه در فراز آخر مقاله خواهد آمد). از دیگر شواهدی که به آن وسیله می توان گوشه ای از علو مقام فاطمه (علیها السلام) را درک نمود ، مراجعه زنان و یا حتی مردان مدینه در مسائل دینی و اعتقادی به آن بزرگوار می باشد که در فرازهای گوناگون تاریخ نقل شده است. همچنین استدلالهای عمیق فقهی فاطمه (علیها سلام) در جریان فدک (که مقداری از آن در ادامه ذکر خواهد گردید) ، به روشنی بر احاطه فاطمه (علیها سلام) بر سراسر قرآن کریم و شرایع اسلامی دلالت می نماید.

مقام عصمت:

در بیان عصمت فاطمه (علیها السلام) و مصونیت او نه تنها از گناه و لغزش بلکه از سهو و خطا ، استدلال به آیه تطهیر ما را بی نیاز می کند. ما در این قسمت جهت جلوگیری از طولانی شدن بحث ، تنها اشاره می نمائیم که عصمت فاطمه (علیها السلام) از لحاظ کیفیت و ادله اثبات همانند عصمت سایر ائمه و پیامبر است که در قسمت مربوطه در سایت بحث خواهد شد .

بیان عظمت فاطمه از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) :

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) ، بارها و بارها فاطمه (علیها السلام) را ستود و از او تجلیل نمود . در مواقع بسیاری می فرمود: " پدرش به فدایش باد " و گاه خم می شد و دست او را می بوسید. به هنگام سفر از آخرین کسی که خداحافظی می نمود ، فاطمه (علیها السلام) بود و به هنگام بازگشت به اولین محلی که وارد می شد ، خانه او بود .

عامه محدثین و مسلمانان از هر مذهب و با هر عقیده ای، این کلام را نقل نموده اند که حضرت رسول می فرمود: " فاطمه پاره تن من است هر کس او را بیازارد مرا آزرده است ". از طرفی دیگر، قرآن کریم پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) را از هر سخنی که منشأ آن هوای نفسانی باشد، بدور دانسته و صراحتاً بیان می دارد که هر چه پیامبر می فرماید، سخن وحی است. پس می توان دریافت که این همه تجلیل و ستایش از فاطمه (علیها السلام)، علتی ماورای روابط عاطفی مابین پدر و فرزند دارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز خود به این مطلب اشاره می فرمود. گاه در جواب خرده گیران، لب به سخن می گشود که خداوند مرا به این کار امر نموده و یا می فرمود: " من بوی بهشت را از او استشمام می کنم. "

اما اگر از زوایای دیگر به بحث بنگریم و حدیث نبوی را در کنار آیات شریفه قرآن کریم قرار دهیم، مشاهده می نمائیم قرآن کریم عقوبت کسانی که رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) را اذیت نمایند، عذابی دردناک ذکر می کند. و یا می فرماید کسانی که خدا و رسول را اذیت نمایند، خدا آنان را در دنیا از رحمت خویش دور می دارد و برای آنان عذابی خوار کننده آماده می نماید. پس به نیکی مشخص می

شود که رضا و خشنودی فاطمه (علیها السلام)، رضا و خشنودی خداوند است و غضب او نیز باعث غضب خداست. به بیانی دقیق تر، او مظهر رضا و غضب الهی است. چرا که نمی توان فرض نمود، شخصی عملی را انجام دهد و بدان وسیله فاطمه (علیها السلام) را بیازارد و موجب آزردهی پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم) گردد و بدین سبب مستوجب عقوبت الهی شود، اما خداوند از آن شخص راضی و به عمل او خشنود باشد و در عین رضایت، او را مورد عقوبتی سنگین قرار دهد.

نکته ای دیگر که از قرار دادن این حدیث در کنار آیات قرآن کریم بدست می آید، آنست که رضای فاطمه (علیها السلام)، تنها در مسیر حق بدست می آید و غضب او فقط در انحراف از حق و عدول از اوامر الهی حاصل می شود و در این امر حتی ذره ای تمایلات نفسانی و یا انگیزه های احساسی مؤثر نیست. چرا که از مقام عدل الهی، بدور است شخصی را به خاطر غضب دیگری که برخاسته از تمایل نفسانی و یا عوامل احساسی مؤثر بر اراده اوست، عقوبت نماید.

فاطمه (علیها السلام) پس از پیامبر:

با وفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) ، فاطمه (علیها السلام) غرق در سوگ و ماتم شد. از یک طرف نه تنها پدر او بلکه آخرین فرستاده خداوند و ممتازترین مخلوق او، از میان بندگان به سوی خداوند ، بار سفر بسته بود. هم او که در وجود خویش برترین مکارم اخلاقی را جمع نموده و با وصف صاحب خلق عظیم ، توسط خداوند ستوده شده بود. هم او که با وفاتش باب وحی تشریحی بسته شد ؛ از طرفی دیگر حق وصی او غصب گشته بود. و بدین ترتیب دین از مجرای صحیح خود، در حال انحراف بود. فاطمه (علیها السلام) هیچگاه غم و اندوه خویش را در این زمینه کتمان نمی نمود. گاه بر مزار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) حاضر می شد و به سوگواری می پرداخت و گاه تربت شهیدان احد و مزار حمزه عموی پیامبر را برمی گزید و درد دل خویش را در آنجا بازگو می نمود. حتی آن هنگام که زنان مدینه علت غم و اندوه او را جويا شدند ، در جواب آنان صراحتاً اعلام نمود که محزون فقدان رسول خدا و مغموم غصب حق وصی اوست .

هنوز چیزی از وفات رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نگذشته بود که سفارش رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و ابلاغ فرمان الهی توسط ایشان در روز غدیر ، مبنی بر نصب امام علی (علیه السلام) به عنوان حاکم و ولی مسلمین پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ، توسط عده ای نادیده گرفته شد و آنان در محلی به نام سقیفه جمع گشتند و از میان خود فردی را به عنوان حاکم برگزیدند و شروع به جمع آوری بیعت از سایرین برای او نمودند . به همین منظور بود که عده ای از مسلمانان به نشانه اعتراض به غصب حکومت و نادیده گرفتن فرمان الهی در نصب امام علی (علیه السلام) به عنوان ولی و حاکم اسلامی پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در خانه فاطمه (علیها السلام) جمع گشتند. هنگامی که ابوبکر - منتخب سقیفه - ، که تنها توسط حاضرین در سقیفه انتخاب شده بود ، از اجتماع آنان و عدم بیعت با وی مطلع شد ؛ عمر را روانه خانه فاطمه (علیها السلام) نمود تا امام علی (علیه السلام) و سایرین را به زور برای بیعت در مسجد حاضر نماید. عمر نیز با عده ای به همراه پاره آتش ، روانه خانه فاطمه (علیها السلام) شد. هنگامی که بر در خانه حاضر شد ، فاطمه (علیها السلام) به پشت در آمد و علت حضور آنان را جویا شد . عمر علت را

حاضر نمودن امام علی (علیه السلام) و دیگران در مسجد برای بیعت با ابوبکر عنوان نمود. فاطمه (علیها السلام) آنان را از این امر منع نمود و آنان را مورد توبیخ قرار داد. در نتیجه عده ای از همراهیان او متفرق گشتند. اما در این هنگام او که از عدم خروج متعرضین آگاهی یافت، تهدید نمود در صورتی که امام علی (علیه السلام) و سایرین برای بیعت از خانه خارج نشوند، خانه را با اهلش به آتش خواهد کشید. و این در حالی بود که می دانست حضرت فاطمه (علیها السلام) در خانه حضور دارد. در این موقع عده ای از متعرضین از خانه خارج شدند که مورد برخورد شدید عمر قرار گرفتند و شمشیر برخی از آنان نیز توسط او شکسته شد. اما همچنان امیر مومنان، فاطمه و کودکان آنان در خانه حضور داشتند. بدین ترتیب عمر دستور داد تا هیزم حاضر کنند و به وسیله پاره آتشی که با خود همراه داشت و هیزمها گرد آوری شده، درب خانه را به آتش کشیدند و به زور وارد خانه شدند و به همراه عده ای از همراهانش خانه را مورد تفتیش قرار داده و امام علی را به زور و با اکراه به سمت مسجد کشان کشان بردند. در حین این عمل، فاطمه (علیها السلام) بسیار صدمه دید و لطمات فراوانی را تحمل نمود اما باز از پاننشست و بنا بر احساس وظیفه و تکلیف

الهی خویش در دفاع از ولی زمان و امام خود به مسجد آمد. عمر و ابوبکر و
همراهان آنان را در مسجد رسول خدا مورد خطاب قرار داد و آنان را از غضب الهی
و نزول عذاب بر حذر داشت. اما آنان اعمال خویش را ادامه دادند .

فاطمه (علیها السلام) و فدک:

از دیگر ستمهایی که پس از ارتحال پیامبر در حق فاطمه (علیها السلام) روا داشته شد،
مسأله فدک بود. فدک قریه ای است که تا مدینه حدود ۱۶۵ کیلومتر فاصله دارد و
دارای چشمه جوشان و نخلهای فراوان خرماست و خطه ای حاصلخیز می باشد. این
قریه متعلق به یهودیان بود و آن را بدون هیچ جنگی به پیامبر (صلی الله علیه و آله
وسلم) بخشیدند ؛ لذا مشمول اصطلاح انفال می گردد و بر طبق صریح قرآن ، تنها
اختصاص به خداوند و پیامبر اسلام دارد. پس از این جریان و با نزول آیه « و ات ذا
القربی حقه » ، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بر طبق دستور الهی آن را به فاطمه
(علیها السلام) بخشید. فاطمه (علیها السلام) و امیر مومنان (علیه السلام) در فدک
عاملانی داشتند که در آبادانی آن می کوشیدند و پس از برداشت محصول ، درآمد

آن را برای فاطمه (علیها السلام) می فرستادند. فاطمه (علیها السلام) نیز ابتدا حقوق عاملان خویش را می پرداخت و سپس مابقی را در میان فقرا تقسیم می نمود؛ و این در حالی بود که وضع معیشت آن حضرت و امام علی (علیه السلام) در ساده ترین وضع به سر می برد. گاه آنان قوت روز خویش را هم در راه خدا انفاق می نمودند و در نتیجه گرسنه سر به بالین می نهادند. اما در عین حال فقرا را بر خویش مقدم می داشتند و در این عمل خویش، تنها خدا را منظور نظر قرار می دادند. (چنانچه در آیات آغازین سوره دهر آمده است). پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)، ابابکر با منتسب نمودن حدیثی به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با این مضمون که ما انبیا از خویش ارثی باقی نمی گذاریم، ادعا نمود آنچه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) باقی مانده، متعلق به تمامی مسلمین است.

فاطمه در مقام دفاع از حق مسلم خویش دو گونه عمل نمود. ابتدا افرادی را به عنوان شاهد معرفی نمود که گواهی دهند پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در زمان حیات خویش فدک را به او بخشیده است و در نتیجه فدک چیزی نبوده که به صورت ارث به او رسیده باشد. در مرحله بعد حضرت خطبه ای را در مسجد پیامبر (صلی الله

علیه و آله وسلم) ایراد نمود که همانگونه که قبلاً نیز ذکر شد ، حاوی مطالب عمیق در توحید و رسالت و امامت است. در این خطبه که در نهایت فصاحت و بلاغت ایراد گردیده است ، بطلان ادعای ابا بکر را ثابت نمود. فاطمه به ابو بکر خطاب نمود که چگونه خلاف کتاب خدا سخن می گویی؟! سپس حضرت به شواهدی از آیات قرآن اشاره نمود که در آنها سلیمان ، وارث داود ذکر گردیده و یا زکریا از خداوند تقاضای فرزندی را می نماید که وارث او و وارث آل یعقوب باشد. از استدلال فاطمه (علیها السلام) به نیکی اثبات می گردد بر فرض که فدک در زمان حیات پیامبر به فاطمه (علیها السلام) بخشیده نشده باشد ، پس از پیامبر به او به ارث می رسد و در این صورت باز هم مالک آن فاطمه است و ادعای اینکه پیامبران از خویش ارث باقی نمی گذارند ، ادعایی است خلاف حقیقت ، و نسبت دادن این کلام به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) امری است دروغ ؛ چرا که محال است آن حضرت بر خلاف کلام الهی سخن بگوید و خداوند نیز بارها در قرآن کریم این امر را تأیید نموده و بر آن تأکید کرده است. اما با تمام این وجود ، همچنان غصب فدک ادامه یافت و به مالک حقیقی اش باز گردانده نشد.

باید توجه داشت صحت ادعای فاطمه (علیها السلام) چنان واضح و روشن بود و استدلالهای او آنچنان متین و استوار بیان گردید که دیگر برای کسی جای شک باقی نمی ماند و بسیاری از منکرین در درون خود به وضوح آنرا پذیرفته بودند. دلیل این معنا است که عمر خلیفه دوم هنگامی که فتوحات اسلامی گسترش یافت و نیاز دستگاه خلافت به در آمد حاصل از آن بر طرف گردید، فدک را به امیر مؤمنان (علیه السلام) و اولاد فاطمه (علیها السلام) باز گرداند. اما بار دیگر در زمان عثمان فدک غصب گردید.

بیماری فاطمه (علیها السلام) و عیادت از او:

سرانجام فاطمه بر اثر شدت ضربات و لطماتی که به او بر اثر هجوم به خانه اش و وقایع پس از آن وارد گشته بود، بیمار گشت و در بستر بیماری افتاد. گاه به زحمت از بستر بر می خاست و کارهای خانه را انجام می داد و گاه به سختی و با همراهی

اطفال کوچکش ، خود را کنار تربت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می رساند و یا کنار مزار حمزه عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و دیگر شهدای احد حاضر می گشت و غم و اندوه خود را بازگو می نمود .

در همین ایام بود که روزی زنان مهاجر و انصار که از بیماری او آگاهی یافته بودند ، جهت عیادت به دیدارش آمدند. فاطمه (علیها السلام) در این دیدار بار دیگر اعتراض و نارضایتی خویش را از اقدام گروهی که خلافت را به ناصح از آن خویش نموده بودند ، اعلام نمود و از آنان و عده ای که در مقابل آن سکوت نموده بودند ، به علت عدم انجام وظیفه الهی و نادیده گرفتن فرمان نبوی درباره وصایت امام علی (علیه السلام) انتقاد کرد و نسبت به عواقب این اقدام و خروج اسلام از مجرای صحیح خود به آنان هشدار داد . همچنین برکاتی را که در اثر عمل به تکلیف الهی و اطاعت از جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از جانب خداوند بر آنان نازل خواهد شد ، خاطر نشان نمود.

در چنین روزهایی بود که ابابکر و عمر به عیادت حضرت آمدند. هر چند در ابتدا فاطمه (علیها السلام) از آنان رویگردان بود و به آنان اذن عیادت نمی داد ، اما سر انجام آنان بر بستر فاطمه (علیها السلام) حاضر گشتند . فاطمه (علیها السلام) در این هنگام ، این کلام پیامبراکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) را که فرموده بود: " هر کس فاطمه را به غصب در آورد من را آزرده و هر که او را راضی نماید مرا راضی نموده " ، به آنان یادآوری نمود. ابابکر و عمر نیز صدق این کلام و انتساب آن به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) را تأیید نمودند . سرانجام فاطمه (علیها سلام) ، خدا و ملائکه را شاهد گرفت فرمود: " شما من را به غصب آوردید و هرگز من را راضی ننمودید ؛ در نزد پیامبر، شکایت شما دو نفر را خواهم نمود " .

وصیت:

در ایام بیماری ، فاطمه (علیها السلام) روزی امام علی (علیه السلام) را فراخواند و آن حضرت را وصی خویش قرار داد و به آن حضرت وصیت نمود که پس از وفاتش ، فاطمه (علیها السلام) را شبانه غسل دهد و شبانه کفن نماید و شبانه دفن کند و احدی از کسانی که در حق او ستم روا داشته اند ، در مراسم تدفین و نماز خواندن بر جنازه او حاضر نباشند.

شهادت:

سرانجام روز سوم جمادی الثانی سال یازدهم هجری فرا رسید. فاطمه (علیها السلام) (آب طلب نموده و بوسیله آن بدن مطهر خویش را شستشو داد و غسل نمود. سپس جامه ای نو پوشید و در بستر خوابید و پارچه ای سفید به روی خود کشید ؛ چیزی نگذشت که دخت پیامبر ، بر اثر حوادث ناشی از هجوم به خانه ایشان ، دنیا را ترک نموده و به شهادت رسید ؛ در حالیکه از عمر مبارکش بنا بر مشهور ، ۱۸ سال

بیشتر نمی گذشت و بنا بر مشهور تنها ۹۵ روز پس از رسول خدا در این دنیا زندگی نمود.

فاطمه (علیها السلام) در حالی از این دنیا سفر نمود که بنا بر گفته معتبرترین کتب در نزد اهل تسنن و همچنین برترین کتب شیعیان ، از ابابکر و عمر خشمگین بود و در اواخر عمر هرگز با آنان سخن نگفت ؛ و طبیعی است که دیگر حتی تأسف ابی بکر در هنگام مرگ از تعرض به خانه فاطمه (علیها السلام) سودی نخواهد بخشید.

تغسیل و تدفین:

مردم مدینه پس از آگاهی از شهادت فاطمه (علیها السلام) ، در اطراف خانه آن بزرگوار جمع گشتند و منتظر تشییع و تدفین فاطمه (علیها السلام) بودند؛ اما اعلام شد که تدفین فاطمه (علیها السلام) به تأخیر افتاده است. لذا مردم پراکنده شدند . هنگامی که شب فرا رسید و چشمان مردم به خواب رفت ، امام علی (علیه السلام) بنا

بر وصیت فاطمه (علیها السلام) و بدور از حضور افراد ، به غسل بدن مطهر و رنج دیده همسر خویش پرداخت و سپس او را کفن نمود. هنگامی که از غسل دادن او فارغ شد ، به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) (در حالی که در زمان شهادت مادر هر دو کودک بودند.) امر فرمود: تا عده ای از صحابه راستین رسول خدا (صلی الله علیه و اله و سلم) را که البته مورد رضایت فاطمه (علیها السلام) بودند، خبر نمایند تا در مراسم تدفین آن بزرگوار شرکت کنند.(و اینان از ۷ نفر تجاوز نمی کرده اند) .

پس از حضور آنان ، امیر مؤمنان بر فاطمه (علیها السلام) نماز گزارد و سپس در میان حزن و اندوه کودکان خردسالش که مخفیانه در فراق مادر جوان خویش گریه می نمودند ، به تدفین فاطمه (علیها السلام) پرداخت. هنگامی که تدفین فاطمه (علیها السلام) به پایان رسید ، رو به سمت مزار رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نمود و گفت:

"سلام بر تو ای رسول خدا ، از جانب من و از دختری ؛ آن دختری که بر تو و در کنار تو آرمیده است و در زمانی اندک به تو ملحق شده. ای رسول خدا ، صبر و شکیبائی ام از فراق حبیبه ات کم شده ، خودداریم در فراق او از بین رفت... ما از

خدائیم و بسوی او باز می گردیم... به زودی دختری ، تو را خبر دهد که چه سان
امتت فراهم گردیدند و بر او ستم ورزیدند. سرگذشت را از او بپرس و گزارش را از
او بخواه که دیری نگذشته و یاد تو فراموش نگشته " ...

امروزه پس از گذشت سالیان متمادی همچنان مزار سرور بانوان جهان مخفی است
و کسی از محل آن آگاه نیست. مسلمانان و بخصوص شیعیان در انتظار ظهور امام
مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بزرگترین منجی الهی و یازدهمین فرزند از
نسل فاطمه (علیها السلام) در میان ائمه می باشند تا او مزار مخفی شده مادر خویش
را بر جهانیان آشکار سازد و به ظلم و بی عدالتی در سراسر گیتی ، پایان دهد.

سخنان فاطمه:

از فاطمه (علیها السلام) سخنان فراوانی بر جای مانده ، که پاره ای از آنان مستقیماً
از او نقل شده است و به نیکی می توان گوشه ای از علو مقام و ژرفای علم و معرفت

او را در این کلمات دریافت و پاره ای دیگر نیز بواسطه او ، از وجود پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت گشته است که به نوبه خود بیانگر ارتباط نزدیک او با رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و عمق درک و فهم فاطمه (علیها السلام) می باشد. در این مجال ، جهت رعایت اختصار تنها به دو مورد از کلماتی که مستقیماً از فاطمه (علیها السلام) نقل شده اشاره می نمائیم.

1- قال مولاتنا فاطمة الزهرا (علیها السلام) : " من اصعد الى الله خالص عبادة ، اهبط الله عزوجل اليه افضل مصلحته "

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرمود : " هر کس عبادت خالص خود را به سوی پروردگار بالا بفرستد ، خداوند برترین مصلحت خود را به سوی او می فرستد . "

2- قال مولاتنا فاطمة الزهرا (علیها السلام) (فی قسم من خطبة الفدکیة " : فجعل الله الايمان تطهيراً لكم من الشرك ، و الصلوة تنزيهاً لكم عن الكبر ، و الزكاة تزكية للنفس و نماءً فی الرزق ، و الصيام تثبيتاً للإخلاص ، و الحج تشييداً للدين ، و العدل تنسيقاً للقلوب ، و طاعتنا نظاماً للملة ، و اما متنا اماناً من الفرقة ، و الجهاد عزا للإسلام ، و

الصبر معونة على استيجاب الأجر ، و الأمر بالمعروف مصلحة للعامه ، و بر الوالدين و قايه من السخط ، و صلة الأرحام منماة للعدد ، و القصاص حصناً للدماء ، و الوفاء بالندر تعريضاً للمغفره ، و توفية المكائيل و الموازين تغييراً للبخس ، و النهى عن شرب الخمر تنزيهاً عن الرجس ، و اجتناب القذف حجاباً عن اللعنة، و ترك السرقة ايجاباً للعة ، و حرم الله الشرك اخلاصاً له بالربوبيه ، فاتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون و اطيعو الله فيما امركم به و نهاكم عنه فانه " انما يخشى الله من عباده العلماء. "

فاطمه زهرا (عليها سلام) در قسمتی از خطبه فدکيه می فرمایند : " پس خداوند ایمان را موجب پاکی شما از شرک ، نماز را موجب تنزیه و پاکی شما از (آلودگی) تکبر ، زکات را باعث تزکیه و طهارت روح و روان و رشد و فزونی در روزی ، روزه را موجب پایداری اخلاص ، حج را باعث استواری دین ، دادگری و عدل را موجب انسجام و تقویت دلها ، اطاعت و پیروی از ما را باعث نظم و آسایش ملت ، رهبری و پیشوایی ما را موجب امان از جدایی و تفرقه ، جهاد را موجب عزت و شکوه اسلام ، صبر و پایداری را کمکی بر استحقاق و شایستگی پاداش ، امر به معروف را به

مصلحت عامه مردم ، نیکی به پدر و مادر را سپری از خشم پروردگار ، پیوند و پیوستگی با ارحام و خویشاوندان را موجب کثرت جمعیت ، قصاص را موجب جلوگیری از خونریزیها ، وفا به نذر را موجب قرار گرفتن در معرض آمرزش ، پرهیز از کم فروشی را موجب عدم زیان و ورشکستگی ، نهی از آشامیدن شراب را به خاطر پاک بودن از پلیدی ، دوری جستن از قذف (تهمت ناروای جنسی) را انگیزه ای برای جلوگیری از لعن و نفرین ، پرهیز از دزدی را موجب حفظ عفت و پاکدامنی قرار داد و خداوند شرک ورزیدن نسبت به خود را از آن جهت حرام فرمود که بندگان در بندگی خود نسبت به ربوبیت او اخلاص پیشه کنند ، پس " از خداوند بدان گونه که شایسته است پرهیز داشته باشید و تقوا پیشه کنید و جز در حال مسلمانی از دنیا نروید." و خدا را در آنچه که شما را بدان امر می کند و آنچه که نهی می کند فرمان برداری کنید. زیرا " تنها بندگان دانا از خداوند خوف و ترس دارند ."